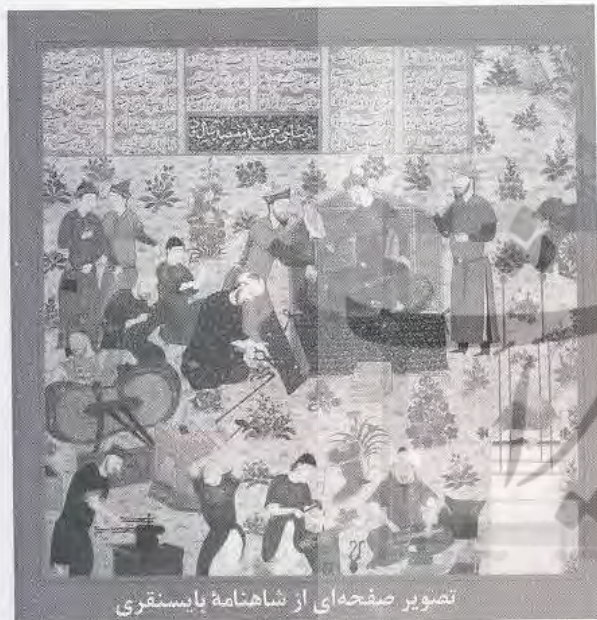


وی از شناسایی ۱۵۰ مرکز دارای آثار ارزشمند و مناسب برای ثبت در حافظه جهانی خبر داد و گفت: برخی آثار این مرکز شناسایی و برای کمیته ملی حافظه جهانی ارسال شده و قرار است تا پایان امسال آثار مورد نظر خود را به یونسکو ارائه کنیم تا در پایان سال ۲۰۰۸، اثر دیگر ایرانی در این طرح جهانی ثبت شود.

یاد آوری می‌شود که خانم اسپرینگر کارشناس سازمان ملی یونسکو که برای برگزاری کارگاه آموزشی دعوت شده که متأسفانه به دلیل بیماری همسرشان قادر به شرکت در این دوره نشدند و به جای ایشان خانم جکی ساتن نماینده سازمان یونسکو در تهران کلاسها را اداره کردند که ایشان نتوانسته بود رضایت شرکت کنندگان را جلب نماید.

ثبت وقف نامه ربع رشیدی و شاهنامه بایسنقری در برنامه حافظه جهانی یونسکو
۲ اثر ایرانی در حافظه جهانی



تصویر صفحه‌ای از شاهنامه بایسنقری

دو اثر شاهنامه بایسنقری و وقف نامه ربع رشیدی در ششمین دوره برنامه حافظه جهانی سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) ثبت شد. رئیس کمیته ملی حافظه جهانی در این رابطه گفت: این کمیته حدود ۱/۵ سال پیش با مشارکت برخی نهادهای فرهنگی مانند آستان قدس رضوی، کتابخانه مجلس، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و مرکز پژوهشی میراث مکتوب تشکیل شد. علی اکبر اشعری افزود: کمیته ملی حافظه جهانی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو در ایران است که آثار



کارگاه آموزشی طرح حافظه جهانی

کارگاه آموزشی ۲ روزه کارشناسان ایرانی برای شناسایی و تهیه و تکمیل پرونده آثار طرح شده برای کمیته ملی حافظه جهانی در کتابخانه ملی ایران در تاریخ ۲۵ و ۲۶ تیرماه برگزار شد.

این کارگاه در حالی با حضور یکی از کارشناسان یونسکو در تهران برگزار شد که در نخستین دوره حضور آثار ایرانی در این طرح، یکی از آثار به دلیل نقص پرونده از ثبت در این طرح جهانی حذف شد. ایران برای نخستین بار و به صورت استثنایی اجازه یافته بود ۳ اثر را برای ثبت در حافظه جهانی ارائه کند در حالی که همه کشورها هر ۲ سال یک بار می‌توانند تنها به ثبت ۲ اثر خود اقدام کنند.

علی اکبر اشعری، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران عنوان کرد: لازم است کارشناسان ایرانی سازمان‌های کتابخانه ملی، آستان قدس رضوی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، مرکز پژوهشی میراث مکتوب و... که در کمیته ملی حافظه جهانی عضویت دارند، با مشخصات آثار و چگونگی تشکیل پرونده برای آثار آشنا شوند تا آثاری شایسته و کامل انتخاب و معرفی کنند و از این رو کارگاه آموزشی ۲ روزه‌ای با حضور یکی از کارشناسان یونسکو برگزار شد.

به گفته وی: برگزیدگان از ارائه دهندگان مقاله به کارگاه آموزشی، بعنوان کارشناس طرح نسبت به انتخاب و داوری آثار جهت معرفی به یونسکو انتخاب می‌شوند.

وی درباره آثار ایرانی که قرار است در دوره بعدی طرح حافظه جهانی به یونسکو ارائه شوند، گفت: مجموعه قرآنی‌های روی پوست آهو که توسط سازمان اسناد و کتابخانه آستان قدس رضوی و به دلیل نقص پرونده از سوی کمیته حافظه جهانی رد شد قرار است با تکمیل پرونده به عنوان نخستین اثر ایرانی برای سال آینده به یونسکو ارائه شود.

محتوایی و معنوی موجود در ایران را که سهم مهمی در تمدن جهانی دارند برای ثبت در فهرست حافظه جهانی به یونسکو در پاریس معرفی می‌کند.

وی با اشاره به این که بخش ثبت بناهای تاریخی کشور در فهرست یونسکو بر عهده سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است، اظهار داشت: وظیفه ثبت منابع محتوایی به عهده کمیته ملی حافظه جهانی است که این کمیته در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است. مشاور فرهنگی رئیس جمهوری افزود: کمیته ملی حافظه جهانی موفق به ثبت ۲ اثر شاهنامه بایسنقری و وقف‌نامه ربع رشیدی در حافظه جهانی شد. اشعری با اشاره به نقش ممتاز اسلام در رونق علم و دانش در جامعه بشری و نقش علم و فرهنگ ایرانی اسلامی کشورمان در پیشرفت تمدن جهانی گفت: ثبت این ۲ اثر موفقیتی بزرگ برای کشورمان است.

بر این اساس شاهنامه بایسنقری و وقف‌نامه ربع رشیدی دو اثر پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران بودند که در ششمین دوره برنامه حافظه جهانی سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) که در سال جاری میلادی برگزار شد، از میان صدها اثر پیشنهادی کشورهای مختلف برای ثبت در حافظه جهانی برگزیده شدند.

موزه‌های که نسخه‌های خطی کتاب‌های آسمانی دارد

موزه خط و کتابت «صاحب الامر» در قلب تاریخی شهر تبریز قرار گرفته است. این موزه که مجموعه‌های نفیس از نسخ مصحف‌های شریف در آن به نمایش در آمده‌اند سال ۱۳۸۰ در بخشی از مسجد شاه تهماسب معروف به مسجد صاحب الامر تأسیس شد.

شاه تهماسب (اول) صفوی در آغاز سلطنت خود دستور ساخت این مسجد را در شرق میدان صاحب آباد در مرکز شهر قدیم تبریز، در کنار مه‌ران رود داد. این بنای تاریخی یک گنبد و دو مناره بلند داشت. در سال ۱۰۴۵ ه.ق به دستور سلطان مراد چهارم عثمانی تخریب شد. کاتب چلبی در کتاب جهان نما در جایی که از تبریز صحبت می‌کند نوشته: «در قسمت شرقی میدان صاحب آباد متصل به جامع سلطان حسن، مسجد مزین دیگری وجود داشت که چون بنایش از شاه تهماسب بود عساکر (لشکرها) عثمانی جا به جا خرابش کردند.» از مسجد دوره شاه تهماسب تنها دو طاق مرمری نقش دار در ورودی‌های دهلیز و اندرون بقعه باقی مانده است. حجاری‌های آن

نقوش گل و بوته، اسلیمی و خطائی از تزئینات معماری بنا است. سنگ نبشته مرمرینی در کنار یکی از طاق‌ها نصب شده است. در بالای طاق دیگر سوره «جن» به خط علاءالدین خوشنویس مشهور دوره شاه تهماسب نگارش شده است. این مسجد پس از عقب نشینی عثمانی در زمان شاه سلطان حسین صفوی توسط وزیر آذربایجان، میرزا محمد ابراهیم دوباره بازسازی شد. زلزله سال ۱۱۹۳ ه.ق که شهر تبریز را با خاک یکسان کرد به مسجد شاه تهماسب نیز به شدت آسیب رساند. در سال ۱۲۶۶ ه.ق میرزا علی اکبرخان، مترجم کنسولگری روس که مرد ثروتمندی بود، به آئینه بندی قسمتی از بقعه و دهلیز و تعمیرات آن دست زد و صحن و مدرسه اکبریه را احداث کرد این مدرسه و صحن بعدها به صاحب الامر مشهور شدند. با توجه به ارزش مذهبی و تاریخی این بنا و با توجه به تعداد نسخه‌های خطی و قرآن‌های شهر تبریز این موزه در سال ۱۳۸۰ به موزه خط و کتابت تبریز تبدیل شد. موزه دارای یک سالن اصلی است که به وسیله راهرو به در ورودی وصل می‌شود. در آن مجموعه نفیسی از نسخ خطی قرآن متعلق به ادوار مختلف تاریخ و قطعات زیبایی از آثار خوشنویسان ایران به نمایش گذاشته شده است. علاوه بر این نسخ خطی، انواع قلمدان‌های مقوایی با تذهیب و نقوش مینیاتوری و روکش لاک‌ی انواع پلاک‌های فلزی منقوش به ادعیه و اوراد و کشکول مزین به آیات کلام الله و آثار تصاویر بزرگان در این موزه به نمایش درآمده‌اند. موزه خط و کتابت صاحب الامر نسخه‌های بسیار نفیس از قرآن‌هایی منسوب به خطوط ائمه و امامزادگان و خوشنویسان را دارد که یکی از نفیس‌ترین قطعات آن صفحه‌ای از قرآن کریم منسوب به دستخط مبارک حضرت رضا (ع) روی تکه‌ای از پوست آهواست. در کنار این نسخ گرانبه‌اثری از خوشنویسان بزرگ تبریزی چون ملا عباد الباقی تبریزی استاد خط ثلث، میرزا شیخ تبریزی، میرزا احمد تبریزی، میرزا طاهر خوشنویس، حاج میرزا حسن هریسی از اساتید خط نسخ و بالاخره آثاری به خط میرعلی تبریزی پدید آورنده خط نستعلیق و پسرش میرعبدالله تبریزی در این موزه قرار دارد. در موزه خط و کتابت تبریز همچنین اشیاء و کتاب‌های مربوط به سایر ادیان در معرض بازدید قرار گرفته که می‌توان به یک جلد کتاب عهد عتیق متعلق به یهودیان نام برد. موزه قرآن و کتابت تبریز در میدان صاحب الامر جنب مسجد صاحب الامر واقع شده است.



از خلیج فارس تا صادق هدایت

این جماعت اول از سرقت خلیج فارس شروع کردند و وقتی دیدند به جایی نمی‌رسند رفتند سراغ مشاهیر ایران و این کار را با سند زدن ابن سینا و مولوی به نام خودشان آغاز کردند و برای سعدی هم خوابی دیده‌اند و حالا رسیده است به معاصرینی مثل صادق هدایت!

سعدی شاعر پرآوازه و صادق هدایت نویسنده ایرانی در یک بنگاه ادبی ترکیه‌ای به عنوان شاعر و نویسنده عرب معرفی شدند. سایت آنتولوژی ترکیه با انتشار فهرستی برخی نویسندگان عرب از جمله جبران خلیل جبران، طاروق علی، نجیب محفوظ و... را در کنار صادق هدایت و سعدی به عنوان نویسنده و شاعر عرب معرفی کرده است. در ترجمه‌ای که از کتاب صادق هدایت به زبان ترکی صورت گرفته است نیز عکس روی جلد کتاب یک فرد عرب را نشان می‌دهد.

کریستن سن و خرید نسخه‌های شرقی

آرتور کریستن سن در کتاب فراسوی دریای خزر (ترجمه منیژه احدزادگان / علو آلفونه، تهران: طهوری، ۱۳۸۵، صص ۴۵ و ۴۶) از خاطرات سفر تفلیس می‌نویسد:

از سفر به تفلیس قصد دوگانه داشتم: نخست، می‌خواستم از مجموعه مشهور آثار باستانی سکاها در موزه تفلیس بازدید کنم... دوم می‌خواستم متون ادبیات عامه اوستی بخرم... استاد آندریاس توجه مرا به ادبیات عامیانه اوستی جلب کرده بود. او می‌گفت:

«اگر به تفلیس می‌روید، هر چه متون ادبیات عامیانه اوستی یافتید بخريد. این نوشته‌ها بصورت کتابچه‌های کوچک موجود است که می‌توان به چند کوپک خرید، اما تعدادشان رو به کاهش است. این ادبیات در حال انقراض است و به زودی چیزی از آن باقی نخواهد ماند.»

در طول اقامت سه روزه‌ام در تفلیس، همه کتاب فروشی‌ها را زیر و رو کردم و هرچه متون ادبیات اوستی در تفلیس بود خریدم. مجموعه بزرگی نبود، روی هم رفته یازده عدد می‌شد: یک نمایشنامه، شعر، چند کمدی، شرح حال قدیسین مسیحی، یک کتاب الفبا، روایت کوتاهی از تاریخ اوست‌ها، و ترجمه داستان بلبل از هانس کریستین آندرسن. چند جزوه کوچک نیز بزبان‌های ارمنی و گرجی برای کتابخانه سلطنتی خریدم.

سیزدهم ماه مارس، پس از فرستادن کتابها به دانمارک و خداحافظی با آشنایان مهربانم، آماده سفر شدم... گاه می‌شود که ما شرقیان با خواندن اینگونه خاطرات، و

آگاهی از اینکه نسخه‌های شرقی ما در کتابخانه‌ها و موزه‌های غرب موجود و در دسترسند، خون غیرت‌مان بجوش می‌آید و هرچه می‌توانیم به آن غریبان غارتگر فحش نثار می‌کنیم. اما از خود نمی‌پرسیم که همان زمان مأمورین سیاسی و کنسولی ما کجا بودند تا آن آثار را از غارت نجات دهند. کتابخانه ملی، موزه ملی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دانشگاه تهران، و دیگر افراد و گروه‌های مدعی کجا بودند؟

اگر بگویند و بپرسند: در آن زمان که کتابخانه ملی، موزه ملی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دانشگاه تهران، و دیگر نهادهای مدعی وجود نداشتند، آیا می‌توان گفت و پرسید که پس امثال کریستن سن چه تقصیری در نجات فرهنگ ایرانی و انتقال آن آثار به کتابخانه‌ها و موزه‌های غرب و حفظ آنها داشتند؟ مگر الان که نهادهای مدعی وجود دارند و مأمورین رنگ و وارنگ ما هم در کشورهای همسایه مشغول مأموریت هستند، آیا هنوز آثار فرهنگ ایرانی به غرب نمی‌روند و در دسترس قرار نمی‌گیرند؟

دکتر محسن جعفری مذهب

منبع: سایت کاتبان

در آستانه برگزاری گرامیداشت مولانا در سازمان ملل تمبرهای امریکا نقش مولانا گرفت

بیش از ۱۲ میلیون نسخه از مثنوی مولانا در دنیای غرب به فروش رسیده است. واقعیت این است که ما از مولوی غافل مانده‌ایم در حالی که دیگران از ما در معرفی و شناخت آثار او پیشی گرفته‌اند.

در هشتصدمین سال تولد مولانا جلال الدین محمد بلخی تمبر مولانا در امریکا منتشر شد.

آغاز طرح چاپ تمبر یادبود مولانا از سفر مدیر عامل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران به ترکیه آغاز شد. بر مبنای مذاکراتی که طی این سفر صورت گرفت، قرار شد تمبری مشترک میان ایران و ترکیه انتشار یابد. بعد از مدتی سوریه و افغانستان نیز درخواست خود برای شرکت در انتشار آن را مطرح کردند و در نهایت قرار شد تمبر چهارجانبه مولانا به طور همزمان در ایران، سوریه، ترکیه و افغانستان به چاپ برسد. خبر چاپ تمبر مولانا در امریکا امروز در حالی در خبرگزاری‌های مختلف قرار گرفت که نخستین نمونه از این تمبر چهارجانبه که بنابر امضای همان تفاهمنامه بین ایران، سوریه، ترکیه و افغانستان قرار بود همزمان به چاپ برسد، در سوریه به عنوان نخستین کشور به چاپ رسید، پس از آن هم ترکیه تمبر را به چاپ رساند و حال به امریکا رسیده است آن

هم با نمایی از نقاشی استاد بهزاد، نقاش بزرگ ایرانی و این شعار که همدلی از همزبانی بهتر است.

اما این اتفاقات و حضور پررنگ مولانا در جهان غرب تنها به این مورد محدود نمی‌شود. در ورودی شهر رتردام هلند، نمای زیبای مسجدی با گنبدی سبز و دو مناره بلند، چشم هر بیننده‌ای را می‌نوازد. این مسجد به نام مولانا (Mevlana) توسط دولت ترکیه در سال ۲۰۰۲ بنا شده است و دارای امکانات بسیاری از جمله سالن‌های همایش، کلاس‌های درس و... است و در نظر سنجی‌های انجام شده توسط مرکز اطلاعات شهر رتردام هلند نیز این مجلس به عنوان زیباترین بنای شهر رتردام انتخاب شده است. یا در فرانسه می‌بینیم که جشن فرهنگ‌های مختلف در پاریس با نام مولانا همراه می‌شود؛ این برنامه یا جشن فرهنگی هر سال همزمان با شروع سال تحصیلی در شهر پاریس با همکاری خانه فرهنگ‌های خارجی، دولت فرانسه، وزارت امور خارجه و فرهنگ و شهرداری پاریس برگزار می‌شود.

امروزه می‌بینیم که در دنیای غرب با آن همه انتقاداتی که ما به آن بدرستی وارد می‌دانیم بیش از ۱۲ میلیون نسخه از مثنوی مولانا به فروش می‌رسد.

واقعیت‌های جهان امروز، تلاش غرب برای مصادره بزرگان علم و اندیشه ملت‌های دیگر به نفع خود و آرمان‌های غرب است؛ مولوی از جمله بزرگانی است که آموزه‌هایش در سالهای اخیر طرفداران فراوانی در جهان پیدا کرده است، به همین دلیل، مصادره افکار او درست در زمانی رخ می‌دهد که ما در غفلت به سر می‌بریم. درباره مولوی، همان را نمی‌توان گفت که ذکاوت‌ملک درباره ابن سینا گفته بود؛ چرا که مولوی یک عالم تجربی نیست. بلکه اندیشه ورزی عارف است که کمال جویی و خداتلبی و جستجوی سرچشمه‌های انسان در راس تعالیم اوست. بنابراین اگرچه مولوی یک ندا و صداست و به همه جهان تعلق دارد و پذیرش او از سوی جهان چیزی از ما کم نمی‌کند، اما به فرموده خود مولوی هر گوشه هم صاحب صلاحیت برای شنیدن هر ندایی نیست. روزنامه همشهری - ۸۶/۴/۳۰

دبیر کل سازمان ملل متحد:

جهان امروز نیازمند ترویج افکار مولانا است

دبیر کل سازمان ملل متحد گفت: جهان امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند ترویج افکار مولانا است.

«بان کی مون» در هشتمین سالگرد تولد مولانا در محل سازمان ملل متحد افزود: صلح، آرامش و گفت و گوی تمدن‌ها از مفاهیمی است که در اشعار مولوی نهفته است.

بنابراین جامعه جهانی باید این مفاهیم را به عنوان الگوی رفتاری خود قرار دهند. وی ضمن قدردانی از مراسم بزرگداشت مولانا در سازمان ملل متحد گفت: بسیاری از شما مریدان مخلص مولانا هستید و دیگران هم در بحث‌های اهمیت شعر او شرکت کرده‌اند که توسط دانشگاهیان برجسته آگاه شده است.

وی افزود: البته تنها با نگاه به کسانی که در این محل جمع شده‌اند، با اطمینان می‌توانم بگویم که حتی پس از ۸ قرن که از تولد مولانا می‌گذرد، او هنوز زنده است. این مناسبت فرصتی عالی است تا ارادت خود را به فلسفه و اصول تسامح و تساهل، تفاهم و مهربانی او ابراز کنیم.

دبیر کل سازمان ملل متحد درباره حضور نمادین و فرهنگی شاعر بزرگ ایرانی در جهان پرآشوب امروز گفت: شعر مولانا به یک دوره تعلق ندارد، ولی جشن این شعر در سازمان ملل، در دوره‌ای کاملاً مناسب انجام می‌شود.

حوادث اخیر میان جوامع و ملت‌ها شکاف ایجاد کرده و بی‌تحملی نسبت به یکدیگر و تنش‌هایی میان فرهنگ‌های مختلف به وجود آورده است. تغییر جهت در این روند، برای صلح و ثبات طولانی مدت در جهان، نقش حیاتی دارد.

وی افزود: تحقق این اهداف، نیازمند این نکته است که تک تک ما از کوتاه‌نظری برای منافع شخصی بگذری. همان طور که مولانا درس می‌دهد، ما باید متوجه مردمی باشیم که در کنار ما هستند و آنها را به عنوان مخلوقات خدا و انسان دوست بداریم.

بان کی مون در پایان تأکید کرد: این یادبود، توجه ما را به نیاز فوری برای اقدام جهت نزدیک کردن مردم با زمینه‌های مختلف جلب می‌کند، تا فلسفه جهانی مولوی را به کار بگیریم و همچنین نشست‌هایی به تلاش سازمان ملل برای ترویج فرهنگ صلح از طریق اتحاد تمدن‌ها کمک می‌کند.

گفتنی است که مراسم بزرگداشت مولانا در سازمان ملل متحد توسط ایران، افغانستان و ترکیه و به ریاست پروفیسور جیمز موریس برگزار شد و شخصیت‌هایی از جمله پروفیسور محمود اروول کلینچ از دانشکده الهیات دانشگاه مرمره، پروفیسور سیدحسین نصر رئیس ایرانی مؤسسه اسلامی دانشگاه جورج واشنگتن و پروفیسور ولی احمدی از دانشگاه کالیفرنیا برگزار شد.

روزنامه ایران
۸۶/۴/۹



نمایش دست‌نوشته‌هایی از مولانادر ترکیه

دست‌نوشته‌هایی مربوط به مولانا جلال الدین در نمایشگاه موزه «صوفی حق» ترکیه به نمایش درآمد.

نمایشگاه مولانا جلال الدین بلخی که از ۱۸ ژوئن کار خود را در موزه تاریخی صوفی حق واقع در استانبول آغاز کرده و تا ۱۲ آگوست ادامه داشت، میزبان بیش از ۲۰ هزار نفر از مردم شهرهای مختلف ترکیه شده بود.

این نمایشگاه از سوی وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه در تالار بزرگ موزه تاریخی به مناسبت هشتادمین سالگرد مولانا برگزار شد. در این نمایشگاه دویست اثر مربوط به مولانا از خوشنویسی تا آلات موسیقی به نمایش گذاشته شد.

همچنین دست‌نوشته‌های منتسب به مولانا که گویای اندیشه خاص اوست، تسبیح ذکر و عبادت و نیز لباس‌های پاره و درویشی او نیز در معرض دید عموم قرار گرفت.

روزنامه کارگزاران
۸۶/۴/۲۵

کتابی از مؤلفی از خاندان صاحب بیان الأدیان

حسن انصاری قمی

درباره کتاب بیان الأدیان تاکنون تحقیقات متعددی صورت گرفته است. این کتاب تاکنون چند بار و به صورتهای کامل و ناقص به چاپ رسیده که کاملترین آن، چاپ استاد شادروان محمدتقی دانش پژوه است در تهران که پس از مرگ وی به چاپ رسید: سال ۱۳۷۶ ش. نام و نسب مؤلف آن که ساکن بلخ بوده و کتاب را در اواخر سده پنجم و به فارسی نوشته بدین صورت آورده‌اند: ابوالمعالی محمد بن نعمت بن عبیدالله بن محمد بن عبیدالله. وی متعلق به خاندانی مهم و پر نفوذ از سادات و اشراف بلخ بوده که نسب به عبیدالله اعرج و فرزندش جعفر الحجة، از تبار امام علی بن الحسین السجاد (ع) می‌برده‌اند. حسین فرزند جعفر الحجة که از اجداد ابوالمعالی است، در ۲۴۱ ق به بلخ درآمده و آنجا سکنی گزید و اعقاب او از نقباء و فرمانروایان (با تعبیر «ملوک») در عمده‌الطالب ابن عنیه، ص ۳۳۰ و ۳۳۱ این شهر محسوب می‌شدند. ابوالمعالی فرزند ابو ابراهیم نعمت و او خود فرزند ابوعلی عبیدالله، ملقب به یارخدای او فرزند ابوالحسن محمد بن عبیدالله زاهد بوده است. درگذشت ابوالمعالی پس از سال ۴۸۵ ق، یعنی سال تألیف کتاب دانسته شده است. با این وصف نسخه‌ای از این کتاب که به رویت استاد دکتر مجتبیایی در هند رسیده بوده، تاریخ ۵۲۵ق

را داشته است که برخی معتقدند تنها تاریخ کتابت نسخه‌ای از کتاب بوده است. در کتب انساب، مفصلاً درباره این خاندان سخن رفته، به ویژه در الشجرة المباركة فخر رازی و عمده الطالب ابن عنیه. به دلیل نیاز به عبارات این دو مؤلف برای بحث‌مان، عین عبارات هر دو را نقل می‌کنیم.

عین عبارت ابن عنیه چنین است:

«و أما جعفر الحجة بن عبیدالله الاعرج، و فی ولده الامرة بالمدينة، و منهم ملوک بلخ و نقباؤها، و جعفر بن عبیدالله من أئمة الزیدية، و كان له شیعة یسمونه الحجة، و كان القاسم الرسی بن ابراهیم طباطبا یقول: جعفر بن عبیدالله من أئمة آل محمد، و كان فصیحا و كان أبوالبختری وهب بن وهب قد حبسه بالمدينة ثمانية عشر شهرا فما افطر الا فی العیدین، فأعقب جعفر من رجلین، الحسن و الحسین، اما الحسین بن جعفر الحجة فدخل بلخ و اعقب بها و هم ملوک و سادة و نقباء منهم السید الفاضل أبوالحسن البلخی و هو علی بن أبی طالب الحسن النقیب ببلخ (بن) أبی علی عبیدالله بن أبی الحسن محمد الزاهد بن عبیدالله بن (أبی القاسم) علی (در اصل: بن علی بهراة ابن علی أبی القاسم، کذا) ببلخ ابن الحسن أبی محمد قبره ببلخ ابن الحسین المذكور و منهم أبو عبیدالله نعمة بن عبیدالله (کذا و درست آن: عبیدالله) النقیب ببلخ المذكور له عقب، و منهم علی بن أبی الحسن محمد الزاهد المذكور له عقب، و منهم عبیدالله (کذا و درست آن: عبیدالله) و محمد ابنا أبی القاسم علی المذكور لهما أعقاب.»

همانطور که می‌بینیم در اینجا ابن عنیه چند تن از افراد این خاندان را که ساکن بلخ بوده‌اند، نام می‌برد و از آن جمله ابن عنیه از پدر ابوالمعالی، نام می‌برد: «و منهم أبو عبیدالله نعمة بن عبیدالله (کذا و درست آن: عبیدالله) النقیب ببلخ المذكور له عقب.» ابن عنیه از شخص دیگری از این خاندان هم نام می‌برد: السید الفاضل أبوالحسن البلخی و هو علی بن أبی طالب الحسن النقیب ببلخ (بن) أبی علی عبیدالله بن أبی الحسن محمد الزاهد بن عبیدالله بن (أبی القاسم) علی (در اصل: بن علی بهراة ابن علی أبی القاسم، کذا) ببلخ ابن الحسن أبی محمد قبره ببلخ ابن الحسین المذكور، منظور از حسین المذكور، فرزند جعفر الحجة است. پس ابوالحسن علی بن أبی طالب البلخی که او را السید الفاضل می‌خواند، فرزند ابوطالب حسن بوده که او نقیب بلخ بوده و نسب این پدر به ترتیب چنین بوده است: ابوطالب حسن - ابو علی عبیدالله - ابوالحسن عبیدالله - علی ابوالقاسم در بلخ - ابو محمد حسن که قبرش در بلخ بوده - حسین - جعفر الحجة. دیدیم که ابو عبیدالله نعمت پدر ابوالمعالی صاحب کتاب

بیان الأديان است. پس ابوالمعالي نواده عبیدالله‌ای است که نقیب بلخ بوده است. این عبیدالله همان ابوعلی است که پدر ابوطالب حسن بوده است. با این حساب، ابوالمعالي و ابوالحسن علی بن ابی طالب، پسر عمو بوده‌اند.

در الشجرة المباركة اطلاعات کاملتری درباره این خاندان و این دو پسر عمو و فرزندان آن دو، دیده می‌شود:

«وَأما الحسين بن جعفر الحجة، فعقبه الصحيح من رجل واحد، و هو الحسن أبو محمد بلخ، أمه زبيرة، وللحسن هذا ابن واحد جميع عقبه منه، اسمه علي أبو القاسم يعرف ب' (الجلاباذي) و هي محلة بلخ، ولعلي الجلاباذي هذا من المعقبين أربعة: عبید الله أبوعلی، و عبد الله أبو أحمد، و قيل: اسمه محمد، و محمد أبو العباس، و الحسن أبو أحمد، و لم يثبت له إلا أبو أسماعيل الطباطبائي. أما عبید الله بن علي الجلاباذي، فعقبه من رجل واحد، و هو محمد أبو الحسن الزاهد بلخ بسكة المفتي. و لمحمد هذا ابنان معقبان: علي أبو القاسم السيد الاجل النقيب بلخ يعرف ب' (نودولت) و عبید الله أبوعلی السيد الاجل النقيب الرئيس بلخ يعرف ب' (يارخدای) و هو جد نقيب بلخ.

أما أبو القاسم نودولت، فعقبه رجلان: الحسين أبو عبد الله، و محمد أبو جعفر.

أما الحسين بن أبي القاسم نودولت، فعقبه من رجل واحد، و هو محمد أبو الحسن، كان نقیب النقيب بلخ يلقب (نيك روى) و عقبه من عشرة: محمد أبو الفتح، و طاهر أبو الحسين، و عبید الله أبوعلی لمحرج، و أسماعيل أبو إبراهيم، و نعمة، و الحسن أبوعلی، و أحمد أبو البركات، و قيل: اسم أبي البركات الحسين.

و علي أبوالمجد، و علي أبو القاسم، و أبو جعفر، فهذا هو عقب الحسين نودولت.

و أما محمد نودولت، فله ابن واحد اسمه الحسين و ثلاث بنات، فقد فرغنا من عقب علي نودولت.

أما عبید الله يارخدای، فله من الذكور ستة: نعمة أبو إبراهيم اسمه الحسين، و الحسن أبو طالب، و علي أبو طاهر الرئيس النقيب بغزنة يلقب (تاج الشرف) و محمد العالم الشاعر، و إبراهيم أبو محمد، و الحسين أبو عبد الله.

أما نعمة بن عبید الله المقلب ب' (يارخدای) فعقبه من رجلين: محمد أبو المعالي الفقيه بلخ صاحب بيان الأديان و علي أبو المحاسن تولى النقابة بمرو بعد السيد الاجل أبي القاسم الموسوي، أمه خديجة بنت السيد الاجل أبو القاسم نودولت.

أما محمد بن نعمة، فله من الذكور ثلاثة: نعمة، و محمد،

و أبو علي.

و أما علي بن نعمة النقيب بمرو، فله ابن واحد يلقب (ذي الفخرين).

و أما الحسن بن يارخدای، فعقبه رجلان: علي أبو الحسن الفقيه، و جعفر أبو القاسم السيد الاجل.

أما علي الفقيه هذا، فله ابنان: الحسن أبو محمد يلقب (شرف الدين)، و الحسين تاج الدين).

بنابراین این خاندان که در بلخ و هرات و محلات مختلف این شهرها و به ویژه بلخ، صاحب نفوذ و قدرت و نقابت و شرافت بوده‌اند، در سده‌های سوم تا ششم تنی چند عالم پرورش داده‌اند و طبعاً باید نسل آنها پس از این دوره هم تداوم می‌داشته است که در اینجا به بحث ما مربوط نیست. در اجداد این خاندان، کما اینکه در مطالب ابن عنبه دیده می‌شود، گرایش زیدیه وجود داشته و احتمالاً دست کم تعدادی از آنها در بلخ و هرات، همچنان گرایشی از زیدی‌گری را تداوم می‌داده‌اند.

ابوالمعالي خود تمایلات روشن شیعی دارد که در کتاب بیان الأديان دیده می‌شود.

در منابع زیدی، نام دو تن از افراد این خاندان، به مناسبت ذکر کتابی در حدیث که مورد روایت زیدیان بوده، مورد توجه قرار گرفته است. البته این امر دلیلی برای زیدی بودن آن دو تن نیست، اما روشن است که آنان ساداتی بوده‌اند که به سنت روایی شیعی تعلق خاطر داشته‌اند. این متن حدیثی، اربعین کوچکی است در حدیث که به «سلسله الأبریز بالسند العزیز» نامبردار است و مکرراً به چاپ رسیده که بهترین آنها، این چاپ است: سلسله الأبریز بالسند العزیز، تألیف ابی محمد الحسن بن علی بن ابی طالب الحسینی البلخی (ت ۵۳۲)، تقدیم السيد محمد حسین الحسینی الجلالی، علق علیه و خرّج أحاديثه محمد جواد الحسینی الجلالی، نشر مكتبة المرعشي، قم، ۱۴۱۳ ق.^۲

در اینجا از کتاب طبقات الزيدية ابراهيم بن القاسم، در مورد این دو تن نقل می‌کنیم:

«علي بن أبي طالب الحسن بن عبید الله بن محمد بن عبید الله بن علي (بن القاسم، کذا در متن؛ اما زائد است و تحریفی است از ابی القاسم که کنیه علی بوده است) بن الحسن بن الحسين بن جعفر بن عبید الله بن الحسين الأصغر بن علي بن الحسين بن علي بن ابی طالب الحسینی أبو الحسن البلخی. قال: حدثني بسلسله الأبریز بالسند العزیز سيدی الحسن بن عبید الله فی سنة أربع و ثلاثين و أربعمائة، قال حدثني أبي عن أبيه و رواها عنه: ولده الحسن بن علي، و

كان سماعه عليه سنة وستين وأربعمائة»

- «الحسن بن علي بن أبي طالب الحسن بن عبيدالله بن محمد بن عبيدالله (بن علي که از نسب افتاده است) (الأمير أول من دخل بلخ، كذا، اما حسب ابن عنبه، حسين است که اول بار به بلخ آمده است؛ گرچه اهميت سند خانوادگی موجود در آغاز اربعين در اين مورد را نبايد از خاطر دور داشت) بن الحسين بن جعفر الحجة بن عبيدالله بن الحسين الأصغر بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب الحسيني البلخي، أبو محمد. قال: حدثني بالأربعين الحديث (سلسله الأبريز بالسند العزيز) والدي أبو الحسن علي بن أبي طالب في سنة ست وستين وأربعمائة. قال حدثني أبي عن أبيه عن جده عن أبيه ألي علي عليه السلام.

و رواها عنه الشيخ محمد بن علي بن ناشر الحياني قال أخبرنا السيد الإمام الأطهر شرف الدين، بقية السادة ببلخ، أبو محمد الحسن بن علي قرآءة عليه، من لفظه غير مرة في سنة سبع و عشرين و خمسمائة انتهى»

بنابراین، این اربعين به شکل سندی خانوادگی روایت می شده و از پدر به فرزند رسیده بوده است. آنچه در طبقات ابراهيم بن القاسم، آمده برگرفته از سند آغازين این متن است که نسخه های آن در يمن و کتابخانه های مانند آمبروزيانا وجود دارد و گفتيم که به چاپ رسیده است. بنابراین نویسنده طبقات، اطلاع مستقلى درباره آنان نداشته و تنها آنان را از طریق این اربعين و متون اجازات زیدی که ناقل سند آغازين این متن بوده اند، می شناخته است. روایت این متن در معمول بوده، کما اینکه این مطلب از موارد متعدد در کتب طبقات و اجازات زیدی روشن می شود. در آغاز سند این اربعين چنین آمده است:

«... قال أخبرنا: السيد الامام الأطهر شرف الدين بقية السادة ببلخ أبو محمد الحسن بن علي بن أبي طالب في سنة ست وستين وأربع مائة. قال: حدثني سیدی و والدي أبو طالب الحسن بن عبيدالله الحسيني في سنة أربع و ثلاثين و أربع مائة. قال: حدثني سیدی و والدي عبيدالله. قال: حدثني محمد. قال: حدثني والدي علي. قال: حدثني سیدی و والدي الحسن الأمير أول من دخل بلخ من هذه الطائفة. قال: حدثني والدي الحسين. قال: حدثني سیدی. و والدي جعفر الملقب بالحجة. قال: حدثني سیدی و والدي عبيدالله الزاهد. قال: حدثني سیدی و والدي الحسين الأصغر. قال: حدثني سیدی و والدي علي بن الحسين زين العابدين. قال: حدثني سیدی و والدي الحسين المظلوم الشهيد سبط رسول الله. صلى الله عليه و آله و سلم. قال: حدثني سیدی و

والدي أميرالمؤمنين، و يعسوب الدين علي بن أبي طالب. صلوات الله عليه و سلامه و عليهم أجمعين. قال: قال رسول الله. صلى الله عليه و آله و سلم -

نام رجال مذکور در این سند و در طبقات ابراهيم بن القاسم به وضوح در سلسله نسبت ابوالمعالي صاحب کتاب بيان الأديان و در کتابهای عمدة الطالب و الشجرة المباركة که نقل کردیم، دیده می شود. در حقیقت ابوالحسن علي بن أبي طالب، که به عنوان پسر عموی ابوالمعالي از او بیشتر نام بردیم، نام پدر شرف الدين أبو محمد الحسن بن علي بن أبي طالب الحسيني است که اربعين به نام او منتشر شده و البته وی تنها راوی متن بوده و نه مؤلف آن. وی این متن را که خود در ۵۲۷ ق روایت می کرده، از پدرش که پسر عموی ابوالمعالي است در ۴۶۶ ق شنیده بوده و او هم از پدرش در سال ۴۳۴ ق شنیده بوده است. این اطلاعات، برای شناخت عصر مؤلف بيان الأديان اهميت دارد. در الشجرة المباركة، نام پدر و پسر راوی این متن بدین صورت آمده است:

«... و أما الحسن بن يار خدای، ف عقبه رجلان: علي أبو الحسن الفقيه، و جعفر أبو القاسم السيد الاجل. أما علي الفقيه هذا، فله اثنان: الحسن أبو محمد يلقب (شرف الدين)، والحسين تاج الدين». پس پدر شرف الدين، يعنى علي بن أبي طالب، ملقب به فقيه بوده است و این جایگاه او را نشان می دهد؛ درست مانند پسر عمویش ابوالمعالي که او هم به فقيه شهرت داشته است.

بعدالتحري:

درباره یادداشتی که درباره یکی از افراد خاندان صاحب بيان الأديان نوشتم، این نکته را نیز باید اضافه کنم که همین امروز به طور اتفاقی شماره هایی از مجله معارف را که در اینجا در اختیار دارم، تورقی می کردم که نظرم افتاد به شرح حال شرف الدين حسن بن علي بن أبي طالب که وی را در آن یادداشت معرفی کرده بودم. این شرح حال متعلق است به کتاب فضائل بلخ صفی الدين ابوبکر عبدالله بن عمر بن محمد بن داود واعظ بلخی (زنده در ۶۱۰ ق) که ترجمه کهن فارسی آن به کوشش مرحوم عبدالحی حبیبي در تهران به سال ۱۳۵۰ ش چاپ شده و نسخه تازه ای از آن وسیله آقای عارف نوشاهی در مجله معارف، دوره نوزدهم، شماره ۲ معرفی و بخشهایی از این نسخه تازه که اغلاط کمتری نسبت به نسخه چاپی دارد، در این مقاله درج شده است. بعد دیدم که بیشتر من این مطلب را برای تنظیم یادداشت خود درباره شرف الدين و پدرش تهیه کرده بودم، اما به دلیل آشفستگی یادداشتهایم، متأسفانه از آن در نوشتن یادداشت قبل بهره

نبردم. همینجا جبران مافات کرده و به ذکر نکاتی از این شرح حال می‌پردازم (البته بر اساس چاپ آقای نوشاهی و نه چاپ مرحوم حبیبی که هم اینک در اختیارم نیست).

شرح حال او ذیل نام ۶۴ آمده است (ص ۷۱): «الحسن بن علی ابن ابی الطالب (کذا) الحسینی است و کنیت وی شرف الدین ابو محمد است. و او را مسجدی است معروف و مشهور بر سر گورستان بلخ. که آن را مسجد شرف الدین خوانند. و آن مسکن غربا و معدن علماست. و او بزرگ رحمة الله معروف است به سماحت و مذکور است به لطافت. و از بقیه سلف صالح است. و در جود و سخا نشانه بود و در سنه اثنی و ثلاثین و خمسمائة وفات یافته است. و بر در نوبهار دفن کردن. و او بزرگ به ماوراءالنهر و خراسان و عراق سفر کرده است. و مشایخ بزرگ را دریافته و [احادیث] سماع کرده...»

من در اینجا قصد تتبع در شرح حال او و پدرش و منابع احوال آن دورا ندارم و شاید در مقدمه چاپ سلسله الأبریز که توسط استاد سید محمد حسین جلالی نوشته شده، اطلاعات دیگری در این باره موجود باشد. اما من متأسفانه این چاپ را در اختیار ندارم. اما لازم است این توجه را بدهم که مطالب کتاب فضائل بلخ درباره شرف الدین مهم است و پرتوی بر حیات خاندان او در بلخ می‌اندازد (نیز نک: همین متن در مجله معارف، ص ۷۳ که توضیح مفیدی درباره این خاندان دارد و اینکه آنان از رؤساء و نقباء بلخ بوده‌اند). نکته جالب تأکیدی است که این شرح حال بر مطالب موجود در طبقات ابراهیم بن القاسم و سند سلسله الأبریز و مطالب ابن عنبه و الشجرة المباركة دارد و علاوه، اطلاعاتی درباره سفرهای شرف الدین و سالمرگ او ارائه می‌دهد. اما نکته جالبتر اینکه در دنباله همین شرح حال، نویسنده شماری از احادیثی که شرف الدین روایت می‌کرده را نقل می‌کند که همانی است که در سلسله الأبریز نیز به روایت او از پدر و آبائش و منتهی به امام سجاد مسندا از حضرت رسول (ص) می‌بینیم. همانطور که در سند این اربعین دیده می‌شود، شرف الدین بارها این احادیث را روایت می‌کرده است. شاید استاد محترم و عزیز جناب آقای فکرت، اطلاعات بیشتری درباره این خاندان داشته باشند؛ به ویژه در مورد پدر شرف الدین که مزار او در مزار شریف معروف است.

ابو سعد سمعانی هم با یک واسطه از شرف الدین همین اربعین را روایت می‌کند. عبارت او در ذیل تاریخ بغداد که وسیله ابن معصوم در الدرجات الرفیعة نقل شده، چنین است:

الدرجات الرفیعة از السید علی ابن معصوم ص ۴۹۱:

«... و هو ما رواه أبو سعد ابن السمعانی فی (الذیل) قال اخبرنا أبو شجاع عمر بن ابی الحسین البسطامی الأمامی بقرائتی قال حدثنی السید أبو محمد الحسین ابن علی بن ابی طالب من لفظه بیلخ حدثنی سیدی و والدی أبو الحسن علی بن ابی طالب سنة ست و أربعمائة حدثنی أبو طالب الحسن بن عبیدالله سنة أربع و ثلاثین و أربعمائة حدثنی والدی أبو علی عبیدالله بن محمد حدثنی ابی محمد بن عبیدالله حدثنی ابی عبیدالله بن علی حدثنی ابی علی بن الحسن حدثنی ابی الحسن ابن الحسین حدثنی ابی الحسن بن جعفر و هو أول من دخل بلخ من هذه الطائفة حدثنی ابی جعفر الملقب بالحجة حدثنی ابی عبدالله حدثنی ابی الحسن الأصغر حدثنی ابی علی بن الحسین بن علی عن ابیه عن جده علی بن ابی طالب (ع) قال رسول الله لیس الخیر کالمعاینة».

پینوشت:

۱. برای او، نک: مقاله عالمانه دوستان جناب آقای حبیبی مظاهری در دائرةالمعارف بزرگ اسلام، ذیل مدخل ابوالمعالی. بر خلاف بیشتر تحقیقات درباره او، در این مقاله اطلاعات درستی درباره نسب ابوالمعالی آمده است.

۲. متأسفانه این چاپ در اختیار من هم اکنون نیست.

متبع، سایت کاتبان

همایش عبدالقادر مراغی در سال ۱۳۸۷ برگزار می‌شود

فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران بر آن است تا به منظور بازشناسی و معرفی و ایجاد پل ارتباطی میان علم و سنت‌های موسیقایی گذشته و آنچه که در حیات موسیقایی اکنون جریان دارد، همایشی با عنوان «عبدالقادر مراغی»، موسیقی دان و نوازنده برجسته قرن هشتم و نهم هجری را در سال ۱۳۸۷ برگزار نماید.

عبدالقادر مراغی نظریه پرداز و موسیقی دان چیره دست ایرانی قرن هشتم و نهم هجری است که در گسترش و بسط شاخه فارسی زبان مکتب منتظمیه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. آثار ارزشمند او مقاصدالاحان، جامع اللاحان و شرح ادوار دربردارنده مسائلی همچون نظام‌های مدال و ریتم، ثبت و نغمه‌نگاری آهنگ‌ها، معرفی سازها و غیره از جمله ویژگی‌هایی است که سبب شده تا مراغی نه تنها در ایران بلکه در حوزه‌های فرهنگی همجوار نیز مورد توجه و تدقیق نظر قرار گیرد.



محورهای پژوهشی همایش به شرح زیر می‌باشد:

الف) زندگی‌نامه

ب) بررسی و تحلیل

نسخ خطی آثار عبدالقادر مراغی؛

مباحث نظری و عملی در آثار عبدالقادر مراغی؛

آهنگ‌ها و تصانیف

ج) مطالعات تاریخی

بررسی حیات موسیقایی در قرن هشتم و نهم هجری؛

تأثیر آرای علمی و عملی عبدالقادر مراغی در حوزه‌های

موسیقایی ایران

عثمانی و ماورالنهر

د) مطالعات تطبیقی

انعکاس نظریات مکتب مدرسی (اسکولاستیک) در آثار

عبدالقادر مراغی؛

بررسی تطبیقی آرا و نظرات مراغی با دیگر

نظریه‌پردازان مکتب منتظمیه؛

ارتباط نظریات موسیقایی عبدالقادر مراغی با موسیقی

دستگاهی ایران.

مهلت ارسال مقاله‌ها تا پایان اسفندماه ۱۳۸۶ است.

علاقمندان می‌توانند مقالات خود را به آدرس تهران، خیابان

فلسطین جنوبی، خیابان لقمان الدوله ادهم، کوچه بوذرجمهر،

پ ۲۳، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران معاونت علمی -

پژوهشی، اداره پژوهش‌های راهبردی ارسال کنند.

بنیاد ایران‌شناسی همایش بین‌المللی خلیج فارس

را برگزار می‌کند

بنیاد ایران‌شناسی، با هدف برقراری ارتباط مستمر میان

اندیشمندان و پژوهشگران در حوزه خلیج فارس، ایجاد فضای

نقد و تحلیل آراء و نظریه‌های مستند تاریخی مربوط به حوزه

خلیج فارس، ایجاد کانون برای ارائه آخرین دستاوردها و

مطالعات مربوط به حوزه خلیج فارس و بررسی موانع و

مشکلات تحقیقاتی در داخل و خارج از کشور در خصوص
مسائل مرتبط با خلیج فارس همایش بین‌المللی خلیج
فارس را برگزار می‌کند...

در این همایش که از ۱۰ اردیبهشت لغایت ۱۲ اردیبهشت
ماه ۱۳۸۷ در تهران برگزار می‌شود، مطالعات اسناد و مدارک
تاریخی حوزه خلیج فارس در گروه‌های علمی ذیل مورد
بررسی قرار خواهد گرفت:

۱. ادبیات (نظم و نثر) محلی کرانه‌های خلیج فارس

۲. توسعه اقتصادی خلیج فارس در دوره‌های تاریخی
مختلف (سیراف، بوشهر و...) تحولات صنعتی پس از پیروزی
انقلاب (عسلویه مناطق آزاد و...)

۳. مطالعات جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی خلیج
فارس

۴. فرهنگ عامه و مردم‌شناسی جزایر ایرانی و کرانه‌های
خلیج فارس

۵. هنر و صنایع دستی جزایر و بنادر خلیج فارس

۶. معماری کرانه‌ها و جزایر خلیج فارس

۷. نقشه‌های تاریخی جزایر و بنادر خلیج فارس

۸. اسناد و مدارک تاریخی جزایر و بنادر خلیج فارس

۹. فرهنگ نامه و اصطلاحات دریایی خلیج فارس

۱۰. جزایر و بنادر خلیج فارس در رسانه‌ها و مطبوعات

۱۱. کتابشناسی جزایر و بنادر خلیج فارس

۱۲. عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و شهری در

شکل‌گیری هویت جزایر و بنادر خلیج فارس

۱۳. تاریخ نفت و آبراه خلیج فارس

۱۴. محیط زیست و خلیج فارس

۱۵. کشتیرانی بازرگانی و نیروی دریایی خلیج فارس

علاقمندان به شرکت در این همایش، می‌توانند با

مراجعه به سایت بنیاد ایران‌شناسی و تکمیل برگه جهت

ارائه مقاله ثبت نام نمایند.